

آرزوی ناگفته: "تحصیل برای تغییر"

ناهدید حسینی

تحصیلات دانشگاهی در نظر بسیاری از مفسران، تامین کننده فرصت های بزرگ تری برای زنان در توسعه شغلی و اجتماعی است.¹ با وجود این، در تعدادی از کشورها، مثل ایران، این فرایند به طور کامل محقق نشده است. در این مورد، مهم است که درک کنیم چگونه و به چه دلیل دختران در ایران توانسته اند علیرغم قوانین تبعیض آمیز جنسیتی در قانون اساسی کشور و همچنین تحت تسلط فرهنگ پدرسالاری که امکانات راه یابی آنان به تحصیلات عالی را تحت تاثیر قرار داده، اکثریت صندلی های دانشگاهها را به خود اختصاص دهند. علاوه بر این، این مقاله به طور خلاصه به تاثیر زنان تحصیل کرده بر تغییرات اجتماعی در جامعه ایرانی می پردازد.

تعداد زنان در تحصیلات عالی در ایران در دهه 1990 شروع به افزایش نمود. در سال 2008 آنها بتدریج توانستند تا بیش از 65% صندلی های دانشگاه های کشور را به خود اختصاص دهند. هر چند، در سال 2006، حکومت درباره رشد بی سابقه تعداد دانشجویان زن دچار نگرانی شده و شروع به اجرای طیفی از سیاست ها به منظور محدود کردن این روند شدند، ولی این موانع، بعد از انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری کشور در سال 2009 گسترش بیشتری یافت.²

دانشجویان زن به طور فعالانه در جنبش سبز سال 2009 مشارکت داشته و حتی نقش کلیدی در رهبری آن ایفا کردند، در حالیکه یکی از برنامه های جدی دولت جدید اسلامی در سال 1979، اسلامی کردن سیستم آموزشی، مجبور کردن زنان به داشتن حجاب اجباری و نهایتاً وادار ساختن آنان به ماندن در خانه بود. حکومت موانع جدی برای مشارکت اقتصادی زنان ایجاد کرد، بنابراین با توجه به آمارهای رسمی، در حال حاضر فقط 17% زنان در ایران شاغل هستند.³

امروز، زنان تحصیل کرده به دلیل تلاش و مبارزه برای برابری جنسیتی در پست های شغلی، اجتماعی و سیاسی به یک پدیده جدید اجتماعی در ایران تبدیل شده اند. مهم است توجه شود که بطور کلی تحصیلات ابتدایی برای دختران، جزو اهداف رژیم اسلامی از زمان تاسیس آن در 1979 بوده است، اما رهبران حکومتی پیش بینی نکرده بودند که بسیاری از دختران ناگهان تصمیم به رفتن به دانشگاه بگیرند. امروزه این رهبران با جمعیت زیادی از زنان تحصیل کرده با اعتماد به نفس و معترض روبرو هستند. به خصوص با توجه به نقش زنان در جنبش سبز، هدف دولت ایجاد موانع جدی برای گسترش تعداد دانشجویان زن با تحمیل سهمیه بندی جنسیتی و محلی و همچنین تفکیک جنسیتی در کلاسها همراه بوده است. در نتیجه، در سال های 2010-2011 تعداد زنان دانشجو به 50% کاهش یافت.⁴

علیرغم موانع بسیاری که بر سر راه زنان در ایران قرار دارد، دولت در دل سرد کردن آنان از شرکت در تحصیلات عالی شکست خورده است. زنان دیگر نمی پذیرند که در موقعیت سیاسی کنونی ایران نقش اجسام صامت را داشته باشند. بنابراین تعداد زنان دانشجو دوباره از سال 2011 تا 2015 به 60% افزایش یافت. اما در سپتامبر 2016 سهمیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزایش یافت و در عوض درصد دانشجویان زن در دانشگاههای دولتی، دوباره به 49.5% کاهش داده شد. به نظر می رسد که دولت چالش جدیدی برای زنان ایران فراهم کرده است.⁵

با توجه به تحقیق دانشگاه نورث وست در فوریه 2016، دانشجویان زن ایرانی به نتایج موفقیت آمیزی در زمینه های علمی و فنی دست یافته اند. ایران با بیش از 67% دانشجویان زن در زمینه های علمی مقام اول در بین 66 کشور مورد بررسی را کسب کرده است.

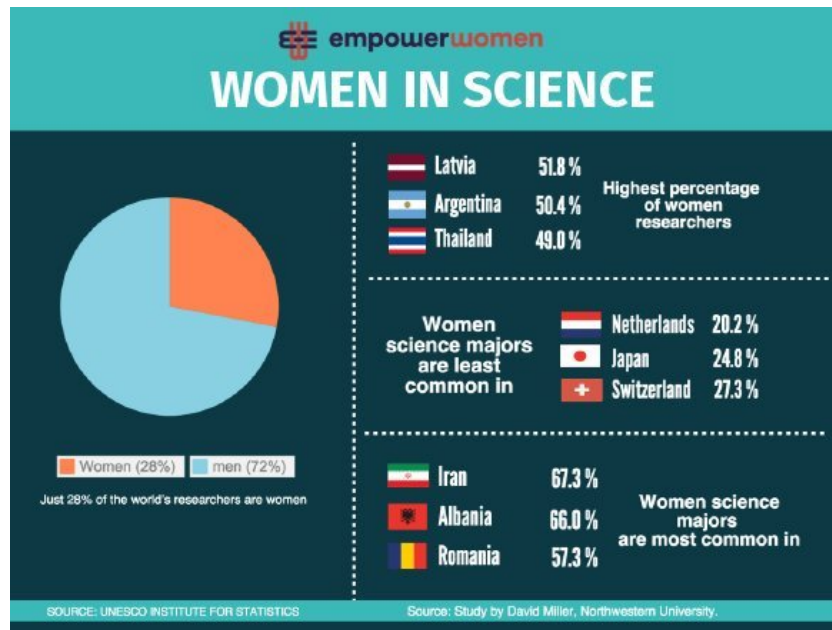


Figure 1: Empower Women: Women in Science via <https://twitter.com/bressyr/status/701043429288058880>

از یک طرف، سیاست های حکومت ایران به مشکلات موجود علیه دسترسی زنان به تحصیلات عالی افزوده است و از طرف دیگر، این محدودیت ها برای فعالین حقوق زنان، انگیزه ایجاد کرده است. فعالین حقوق زنان مشوق و محرک جدیدی در مبارزه خود برای برابری جنسیتی یافته اند، که به آن ها اجازه می دهد تا نفوذ خود را در میان جمعیت زنان، سیاست مداران و نخبگان کشور گسترش دهند.

نتیجه به دست آمده از صفحه فیس بوکی "تحصیل برای تغییر" که برای درک دلایل پی گیری زنان در ورود به تحصیلات عالی در ایران طراحی شده،⁶ روشن میکند که آزادی، کسب دانش، فرصت های شغلی، مشارکت در ساختارهای سیاسی محلی و ملی، و ساختارهای سیاسی-اجتماعی از دلایل اصرار زنان برای کسب تحصیلات عالی بوده اند. حرکتی آهسته، اما پیوسته و قاطع برای ایجاد تغییر، که می تواند به عنوان وجه پنهان و ناگفته خواسته "تحصیل برای تغییر" ارزیابی شود. میتوان این چرخش آرام و پیوسته آموزشی را به مدت دو دهه در میان زنان ایرانی مشاهده کرد. این یک شعار خاموش در زندگی هر دختری برای ایجاد تغییر در زندگی خویش بوده است. این یک اقدام جمعی اعلام نشده از سوی اقشار مختلف زنان ایرانی بوده که به کسب اکثر صندلی ها در دانشگاه ها منجر شده است. جنبش تحصیلی زنان ایرانی یک پدیده اجتماعی است که می تواند به عنوان یک جنبش نوین اجتماعی شناخته شود.

یک جنبش اجتماعی، نوعی اقدام گروهی است که بر اهداف مشترک در مسائل اجتماعی و سیاسی به منظور اعمال تغییرات اجتماعی، تمرکز می کند. یک جنبش اجتماعی همچنین مجموعه ای از اقدامات جمعی مستمر است که به وسیله گروهی از مردم با علایق مشترک، هویت مشترک، و به طور وسیعی اهداف همگانی کامل می شود. روشن ترین مشخصه یک جنبش اجتماعی نوین این است که عمدتاً نه اهداف سیاسی بلکه دارای اهداف اجتماعی و فرهنگی است و بیشتر خواهان ارتقاء کیفیت زندگی است تا مبارزه با دولت.⁷

این راهی است که دختران جوان ایرانی برای غلبه بر تمامی مشکلات و تغییرات منفی که به وسیله جمهوری اسلامی ایران در تضییق حقوق آنان ایجاد شده، در پیش گرفته اند.

تحصیلات عالی راهی است به سوی آزادیهای فردی، و دختران جوان ایرانی بطور نسبی در این جهت پیش رفته اند. قطعاً هنوز راهی طولانی در پیش است، اما به نظر می رسد چیزی که تا به حال کسب شده غیر قابل بازگشت می باشد، چون زنان با تلاش های بسیار و بی وقفه خود به آن دست یافته اند. نیمی از جمعیت 80 میلیونی ایرانی را زنان تشکیل داده و سهم قابل توجهی از آنان، فارغ التحصیلان دانشگاه ها هستند. این قطعاً یک سرمایه ای اجتماعی محسوب می شود که می تواند نقش مثبتی در تغییرات اجتماعی ایفا کند. وجود زنان تحصیل کرده با توانایی های گوناگون، فرصتی برای آن ها فراهم می کند که مشارکتی ارزشمند در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور را داشته باشند.

- OECD (2010b), Improving Health and Social Cohesion through Education, Educational Research and Innovation; OECD ¹ Publishing, Paris, <http://dx.doi.org/10.1787/9789264086319-en>. and OECD (2011b), Divided We Stand: Why Inequality Keeps Rising, OECD Publishing, Paris, http://www.oecd-ilibrary.org/social-issues-migration-health/the-causes-of-growing-inequalities-in-oecd-countries_9789264119536-en
- Husseini, N., WOMEN'S HIGHER EDUCATION: THE TRANSFORMATION OF IRANIAN SOCIETY, 10th International ² Technology, Education and Development Conference (INTED2016). March 2016-Valencia (Spain), published by LATED Academy, PP: 6037-6044
- The World Bank, Labor force participation rate, female (% of female population ages 15+) (modeled ILO estimate),[http://](http://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.FE.ZS) ³ data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.FE.ZS Mehr Press, 20 August 2011 ⁴
- Source: Statistical Centre of Iran; via Radio Farda, Percentage of Male and Female University Students in Iran,[http://](http://www.radiofarda.com/a/F12_percentage_of_male_and_female_university_students_in_Iran_is_even_now/2195003.html) ⁵ www.radiofarda.com/a/F12_percentage_of_male_and_female_university_students_in_Iran_is_even_now/2195003.html /Education for Change Campaign, <http://www.facebook.com/Education-for-Change-950453925041148> ⁶
- DelaPorta, D., Diani, M. 2006, New Social Movements, an Introduction, Blackwell Publishing. P20; Simin, Fadace. (2012). ⁷ "Social movements in Iran: Environmentalism and civil society." Iranian Studies, vol. 13. London: Routledge

